

جامعه‌شناسی الهیات کرونا: چالش‌های مذهبی و برون‌داد نهایی

عمادالدین باقی^۱، هادی درویشی^۲

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۱۰/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۵)

چکیده

محور اصلی مقاله حاضر، گزارش چالش‌های رخ‌داده مذهبی در بحران کرونا و مصادیق و جزئیاتی از این چالش در ایران با نگاهی جامعه‌شناختی است. با توجه به فرضیات و پیش‌بینی‌های گوناگون مطرح‌شده، از جمله افول دین و دین‌داری و چیرگی سکولاریسم بر اثر بحران کرونا، و چالش‌های سهمگینی که در برابر مذهب برانگیخته است، مقاله به برون‌داد این چالش‌ها و پاسخ به این پرسش می‌پردازد که آیا در دوره پساکرونا دین تضعیف می‌شود یا به محاق می‌رود؟

روش مطالعه، اسنادی و گزارشی - توصیفی و تحلیلی است و نظریه کارکردگرایی دورکیم^۳ و وبر^۴ به عنوان چارچوب تئوریک مقاله در نظر گرفته شده است.

در پایان، این نتیجه به دست آمده است که بر اثر بحران کرونا کارکردهای دین در ابعادی تضعیف، و در ابعادی دیگر، تقویت شده است؛ همان طور که تجربه تاریخی نشان می‌دهد که دین، تحت تأثیر چالش‌های عظیم ممکن است تغییر صورت و گفتمان پیدا کند اما از بین نمی‌رود.

واژگان کلیدی: کرونا، کارکردگرایی، مصادره، مقاومت، سیالیت

^۱. مدرس. گروه حقوق، دانشگاه بین‌المللی چابهار (نویسنده مسئول) emadbaghi2000@gmail.com

^۲. دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی hadidarvishi26@gmail.com

^۳ David Émile Durkheim

^۴ Maximilian Karl Emil Weber

طرح مسئله

بحران جهانی کرونا نه تنها بحث‌هایی در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، علمی و پزشکی برانگیخته، بلکه منجر به بحث‌های الهیاتی در سراسر جهان از جمله ایران شده است، از جمله مسئله خرافات، تعطیلی اماکن مذهبی، چالش‌هایی که در ماه رمضان و ماه محرم برانگیخته شد، به‌ویژه در مناسک جمعی که با خطر اپیدمی روبه‌رو شدند. شبیه دورانی که طاعون و وبا آمده بود و نظام فکری و اجتماعی را دگرگون کرده و موضوع بحث دانشمندان علوم اجتماعی و دینی شده بود. سخنانی از این دست بسیار گفته شده که «ویروس کرونا زلزله‌ای در فرهنگ، اقتصاد، اخلاق و الهیات ایجاد کرده است. به طوری که می‌توان گفت جهان پساکرونا با جهان پیشاکرونا به کلی متفاوت خواهد بود» (سیمایی صراف، ۱۳۹۹: ۱). در این مقاله، بیشتر بر چالش‌های مذهبی رخ داده و نتیجه‌گیری از آنها درباره وضعیت آینده دین تمرکز شده است.

از مهم‌ترین اهداف پژوهش، شناخت روندهای نگرش الهیاتی متأثر از بحران کرونا و پیامدهای جمعی و اجتماعی آن و در نهایت پیش‌بینی روندهای آینده جایگاه دین در جامعه است. پرسش اصلی پژوهش به پساکرونا و دین باز می‌گردد. برخی گفته‌اند دین بر اثر چالش‌های بزرگی که در بحران کرونا با آن روبرو شده، منقرض می‌شود، و برخی دیگر معتقدند که دین به محاق می‌رود و تضعیف می‌شود. سؤال این است که آیا دین در دوره پساکرونا تضعیف می‌شود یا به محاق می‌رود؟

چارچوب نظری

چارچوب تئوریک مقاله، نظریه کارکردگرایی دورکیم و وبر است. بخش در خور توجهی از بحث‌ها درباره مراسم و مناسک مذهبی، چالش‌هایی است که در بحران کرونا برانگیخته شد و نظریه‌های متضاد «پایان دین» و «احیای دین» را دوباره مطرح کرد. هرچند دورکیم نیز معتقد بود که دین در دوره جدید و با رشد پوزیتیویسم به پایان خود نزدیک می‌شود، اما معتقد بود دین در جوامع سنتی، نقش اساسی در حفظ شیرازه اجتماعی دارد و با سست شدن وجدان جمعی و ارزش‌های سنتی ناشی از تقسیم کار در دوره مدرن، ارزش‌های مدرن جایگزین می‌شوند (دورکیم، ۱۳۶۹: ۳۰۸-۳۰۳). ولی تا شکل‌گیری و نهادینه شدن ارزش‌های جدید، دوره خلأ ارزش‌ها، وضعیت آنومی اجتماعی را به وجود می‌آورد. دین از نظر دورکیم، چهار کارکرد

انضباطبخش، انسجامبخش، حیاتبخش، و خوشبختیبخش دارد. دین از طریق تحمیل انضباط بر نفس و قدری خویشتن‌داری، انسان‌ها را برای زندگی اجتماعی آماده می‌سازد. تشریفات مذهبی، مردم را گرد هم می‌آورد و بدین سان پیوندهای مشترک ایشان را دوباره تصدیق می‌کند و در نتیجه، همبستگی اجتماعی را تحکیم می‌بخشد. اجرای مراسم مذهبی، میراث اجتماعی گروه را ابقا و احیا می‌کند و ارزش‌های پایدار آن را به نسل‌های آینده انتقال می‌دهد و سرانجام کارکرد خوشبختیبخش نیز دارد... و به تثبیت توازن اعتماد خصوصی و عمومی یاری می‌رساند. در وسیع‌ترین سطح به گرفتاری‌های وجودی انسان، معنای خاصی می‌بخشد زیرا فرد را به قلمرو فرافردی ارزش‌های متعالی وابسته می‌سازد، همان ارزش‌هایی که در نهایت امر، ریشه در جامعه دارند (کوزر، ۱۳۸۳: ۲۰۰).

دورکیم و وبر گرچه هر دو در نقطهٔ مقابل مارکس^۱ قرار دارند که دین را محافظه‌کار و افیون می‌داند اما وبر بیشتر بر نقش جدایی‌افکنانه و انقلابی دین و دورکیم بر نقش دین در تقویت همبستگی اجتماعی تأکید دارند (گیدنز، ۱۳۷۹: ۵۰۷). وبر نیز نافی نقش انسجامبخش دین نیست و همان طور که پارسونز^۲ در شرح نظریهٔ وبر می‌گوید: «نخستین نکتهٔ اساسی در نظریهٔ وبر این است که هیچ جامعهٔ بشری را نمی‌توان سراغ کرد که بدون آن چیزی زندگی کند که دانشمندان اجتماعی مدرن آن را به عنوان دین طبقه‌بندی می‌کنند» (وبر، ۱۳۹۷: ۱۹). [مقدمهٔ پارسونز]. به گفتهٔ پارسونز «بحث وبر دربارهٔ جامعه‌شناسی دین با قضیهٔ جهانی بودن اعتقاد به امر فراطبیعی آغاز می‌شود» (همان: ۲۱) [مقدمهٔ پارسونز]. اما از دیدگاه وبر منافع، همیشه در شکل‌گیری تحول دین، نقش مهمی دارند.

دیدگاه دورکیم و وبر از جهتی به فلسفهٔ اصالت عمل و مصلحت عملی یا پراگماتیسم بسیار نزدیک می‌شود و در نقطه‌ای مشترک قرار می‌گیرد، به گونه‌ای که می‌توان با سخن پراگماتیست‌ها، کارکردگرایی مورد نظر در این بحث را بهتر توضیح داد. فلسفهٔ اصالت عمل اواخر سدهٔ نوزدهم میلادی توسط متفکرانی مانند ویلیام جیمز^۳ و جان دیویی^۴ و چارلز سندرس سندرس پیرس^۵ به ظهور رسید و خلاصه‌اش این است که پیش از تعیین حقانیت و اعتبار هر نظریهٔ فلسفی ابتدا باید معلوم ساخت که ارزش نقد آن چیست؟ یعنی چه اثر و نتیجه‌ای دارد؟ و حقیقی بودن یا نبودن آن چه تأثیری خواهد کرد؟ هر فکر یا نظریه یا عقیده‌ای پیش از اینکه

^۱ Karl Heinrich Marx

^۲ Talcott Parsons

^۳ William James

^۴ John Dewey

^۵ Charles Sanders Peirce

معلوم شود که مؤثر و مثر هست یا نیست، به خودی خود نه صواب است و نه خطا. نظریه فکری در جریان آزمایش و بر حسب نتایج آن، حقیقی یا خطا یا حقیقی‌تر یا کمتر حقیقی - بودنش مشخص می‌شود.

جیمز درباره مطالعات و تحقیقات خود درباره انواع تجربه دینی می‌گوید اگر کسی بتواند مسئله اعتقاد را به طور غیرجزمی ملاحظه کند یعنی بدون اینکه در این باره خود را به زحمت بیندازد که عقیده یعنی واقعاً حقیقی و درست است یا نه، می‌تواند دریابد که برای بعضی از مردم، برخی از معتقدات سودمند و مؤثر هستند یا نیستند. او به این ترتیب فکر می‌کرد که تحلیل اصالت عملی می‌تواند مسائل عقیده اخلاقی و دینی را از قلمرو مجادلات کلامی جدا کند (پاپکین و استرول، ۱۳۸۹: ۳۹۳-۳۸۵).

کاربرد این دیدگاه در «مطالعه دین از بیرون» و «مطالعه دین به مثابه پدیده اجتماعی» است و در مطالعه درون دینی و کلامی (که مبتنی بر پیش‌فرض است) کارآیی ندارد.

روش پژوهش

روش مطالعه، اسنادی و گزارشی - توصیفی و تحلیلی است. داده‌ها از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی و میدانی گردآوری شده، سپس دسته‌بندی و توصیف و با روش تحلیل محتوای کیفی، حلّاجی شده‌اند.

در شناسایی و گردآوری داده‌ها به لزوم تفکیک خرده‌روایت‌های الهیاتی توده مردم از بیان‌های جامعه‌شناسانه توجه شده است. گرچه پژوهش‌های علمی نوعاً متکی به کتاب‌ها و مقالات پژوهشی‌اند و از استناد به تارنماها و نشریات جز در مورد خبرها و وقایعی که ماده تحلیل هستند پرهیز می‌شود، اما به دلیل تازگی موضوع کرونا، عمده منابع عبارتند از همین اخبار و حکایاتی که در رسانه‌های کاغذی و مجازی منتشر شده‌اند و در حکم مواد اولیه تحلیلند و به-ناچار در این مرحله، بیشترین استنادات و منابع درجه اول، عمدتاً منابع رسانه‌ای خواهند بود، که دربرگیرنده داده‌های مورد نیاز پژوهش هستند. در این مرحله حتی صرفاً ثبت و ضبط اخبار، حکایات، روایات، حوادث، آنچه در افواه عامه می‌گذرد، پنداشته‌ها و غیره در مورد کرونا، امری مفید و ضروری و بایسته است، زیرا مواد خام و داده‌های ضروری برای تحلیل جامعه‌شناختی و دقیق مسئله را در آینده نزدیک فراهم می‌کند.

یافته‌های پژوهش

کارکردهای الهیاتی - اجتماعی کرونا

کارکرد جامعه‌شناختی مذهبی کرونا در شکست رسوبات و چیرگی واقعیات: کرونا آیین‌های مرگ را تغییر داد (استرین^۱، ۲۰۲۰) و نشان داد که بسیاری از آیین‌ها ممکن است برگزار نشوند. پاره‌ای از اینها غیرضروری است یا انجام نشدنش، خللی در زندگی طبیعی بشر به وجود نمی‌آورد. بسیاری از اموری که به صورت مناسک درآمد بودند و تصور زندگی بدون آنها مشکل بود و در حکم احکام و واجبات اعتقادی و دینی در آمده بودند و تصور می‌شد که نبود آنها مساوی است با نبود دین و دینداری و به خطر افتادن ایمان و باور به خدا، با کرونا نشان داده شد که بسیاری از آنها نیز عاداتی هستند که محترمند اما جزء ارکان نیستند، عاداتی هستند که می‌توانند در خدمت ایمان و یاریگر آن باشند اما جای ایمان را نمی‌گیرند. در واقع کرونا به سادگی تفاوت میان دین و مناسک را عریان کرد که آنچه حذف‌شدنی نیست و فربه-شدنی است، دین است، و آنچه می‌تواند باشد یا نباشد، مناسک است. در واقع دین امری حقیقی است و مناسک امری اعتباری‌اند.

آزمون همگانی برای نهادهای مذهبی و نهادهای عرفی: چند مورد تعطیلی حج در قرون گذشته به دلیل جنگ یا تلفات ناشی از بیماری در هنگام زیارت بوده و تعطیلی در خلال حج یا پس از آن رخ داده است. در جریان بحران کرونا به طور بی‌سابقه‌ای با تعطیلی حج و دیگر نهادهای مذهبی مواجه شدیم. طواف کعبه پیش از آغاز حج، ممنوع شد. مراسم سالانه واتیکان و کنیسه‌ها و دیگر عبادتگاه‌های پیروان ادیان و مذاهب تعطیل شد. البته فقط اجتماعات مذهبی نبودند که تعطیل شدند بلکه نهادها و اجتماعات عرفی نیز تعطیل شدند، چنانکه برای نخستین بار، برخلاف همیشه که سیزده بدر دشت و کوه و بیابان و پارک‌ها غلغله می‌شد، در بجموحه^۲ کرونا تقریباً هیچ خبری نبود و قرار شده بود همه در خانه باشند. تعطیلی و توقف، منحصر به نهادهای مذهبی نبود، و نهادهای مذهبی و عرفی به طور یکسان در معرض تعطیلی و توقف قرار گرفتند. این آزمون همگانی، همراه با دو برداشت متضاد بود. یک برداشت، منفی بود، که بدون توجه به اینکه این تعطیلی برای نهادهای عرفی هم بود، نتیجه می‌گرفت که نشانگر عدم ضرورت نهادهای مذهبی بوده است، در حالی که این منطق «تورش»^۳ دارد، زیرا اگر این منطق، روایی داشته باشد، باید درباره نهادهای عرفی هم حکم مشابهی صادر کرد،

^۱ Daniel Estrin

^۲ bias

حال آنکه هیچ کس از تعطیلی نهادهای عرفی، عدم ضرورت و بی‌خاصیت بودن آنها را استنباط نمی‌کند.

نگاه دوم، کاملاً انکاری بود و در برابر تعطیلی نهادهای مذهبی مقاومت می‌کرد و آن را توطئه خداناباوران می‌دانست. این نگاه، چالش‌هایی را در بسیاری از جوامع توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته و در حال توسعه تقریباً به طور یکسان برانگیخت و نشان داد این نوع عقاید، مستقل از سطح توسعه‌یافتگی جوامع، وجود دارند.

همگرایی نهادهای رسمی (دولت، روحانیت، درمانگران): به دلیل واکنش‌های شدید از سوی رسانه‌های مخالف، نسبت به حکومت دینی نوعی نگرش منفی تبلیغ می‌شد و در شبکه‌های اجتماعی هم بازتاب می‌یافت. در شرایط همه‌گیری، گروه‌هایی از روحانیون و پزشکان و درمانگران نیز بازار خود را می‌یابند و به ترویج خرافات می‌پردازند یا فرصت را برای تبلیغات مذهبی مغتنم می‌شمارند. برای مثال در جریان همه‌گیری وی‌ای دوره قاجار، مبلغان مسیحی که معتقد بودند پزشک مبلّغ، باید نسخه زنده انجیل باشد، در شهرهای مختلف رسیدگی به بیماران و قحطی‌زدگان را بر عهده گرفتند و در کنار راه‌اندازی مراکز درمانی و تربیت کادر پزشکی، تبلیغات دینی انجام می‌دادند (ره‌دار، ۱۳۸۵ و برومند، ۱۳۸۱). اما چنانکه ویل دورانت نیز اشاره کرده است پزشکان و روحانیان همواره در پاندمی‌ها به موازات هم بوده‌اند و در بحران، نقش مؤثری ایفا کرده‌اند، به گونه‌ای که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. دورانت درباره طاعون ۱۳۴۷ میلادی در دوره قرون وسطای اروپا که روی هم یک چهارم جمعیت جهان را از بین برد، می‌گوید: معدودی از پزشکان و کشیشان از بیم واگیری از معالجه بیماران سر باز زدند ولی اکثریت آنها شجاعانه خود را بدین بوته آزمایش افکندند. هزاران تن از طبیبان و روحانیان در این راه جان سپردند (دورانت، ۱۳۸۲: ۷۸).

در یکی از نادر مقالات مرتبط با این موضوع، در واکنش به ایده‌های حذفی آمده است: «این روزها پزشکان و پرستاران کانون توجه مردمند. حریصانه به سخنانشان گوش می‌سپزند، به نصایحشان جامه عمل می‌پوشند و قدردان زحماتشان هستند. روحانیون بزرگ هم مرجعیت آنان را تصدیق کرده‌اند و صرفاً مردم را به دعا تشویق می‌کنند. متأسفانه مخالفین نادان تمسخر می‌کنند چندانکه گویی آنها به جای درمان و مراعات اصول بهداشتی، مردم را به دعا ترغیب کرده‌اند. اتفاقاً روحانیون دقیقاً همانجا ایستاده‌اند که باید بایستند» (غلامرضا کاشی، ۱۳۹۸).

همین کارکرد مثبت و تعامل سودمند روحانیان و پزشکان، خود به یکی از عوامل تداوم نهاد مذهب تبدیل شده و کارکردهای منفی گروه‌های دیگری از روحانیون به عنوان زواید غیررسمی و خارج از این نهاد شناخته می‌شوند.

معضل غرق شدن در موقعیت

مشکلات و شبهات دینی پیش‌آمده نه فقط از سوی آتئیست‌ها و یا حتی از سوی روشنفکران دینی (که در پی پالایش و معقول‌سازی دین هستند) بلکه از سوی مجتهدین و فقها، آن هم از نوع سنت‌گرا، مطرح می‌شود. برای مثال، کمال حیدری، از مدرسین حوزه علمیه قم، در فایل ویدئویی که از سخنانش منتشر شد، می‌گوید: «یکی از برکات شیوع ویروس کرونا آن بود که قرائت رسمی از اسلام را در حوزه‌های علمی شیعه و سنی به زمین زد. مدعیان اسلام در برابر ویروس کرونا چه چیزی برای گفتن دارند؟ راه حل شما چیست؟ اثر دعا، توسل، اعتقاد به مهدویت و ... کجاست؟ امتیاز مکتب اهل بیت در برابر ویروس کرونا چیست که سایر ادیان و مکاتب ندارند؟» (ساجدی، ۱۳۹۹؛ رضایی، ۱۳۹۹).

فارغ از مباحث کلامی و محتوایی و دین‌شناسانه درباره مدعیات حیدری، این مسئله از این نظر مورد توجه جامعه‌شناسی دین است که کرونا توانسته است پرسش‌ها و چالش‌هایی را به صورت عمیق و گسترده در لایه‌های مختلف مذهبی و غیرمذهبی به وجود آورد و اختصاص به گروه خاص ندارد که توضیح و توجیه عقیدتی داشته باشد و منافی، ولو ایدئولوژیک، در پشت خود داشته باشد.

کرونا چالش‌هایی را در برابر مذهب برانگیخت ولی برخی در این موضوع به گونه‌ای اغراق کردند که پیش‌بینی رنسانس و دگرگونی آموزه‌های مذهبی و حتی براندازی مذهب را داشتند. تأثیر مستقیم و مشهود رویداد و افتادن در چنبره رویداد، گاهی سبب اغراق در درک مسئله می‌شود. نگارنده نام این معضل را «غرق شدن در موقعیت» می‌گذارد. از زاویه آسیب‌شناسی علمی، این وضعیت سبب بزرگ‌نمایی یا کوچک‌نمایی و دور شدن از نگرش علمی و عاری از سوگیری می‌شود. ویروس کووید ۱۹ از این نظر گرچه برای برخی دلربایی کرد یا منحصر به فرد تلقی شد اما چنین نبود که چالشی استثنایی و براندازانه برانگیخته باشد زیرا همواره انواع چالش‌های سهمگین در برابر دین وجود داشته و نتیجه آن پیدایش صدها نظریه و نحله فکری و فلسفی در هزاره‌های گذشته بوده است. از چالش‌های صرفاً معرفتی و کلامی تا اجتماعی و سیاسی و چالش‌های طبیعی مانند زلزله و سیل و بیماری و ... که نظریه‌های مربوط به شرور را خلق کرده است. از این‌رو این ادعا که در دوره ظهور کرونا دین در برابر بزرگ‌ترین چالش تاریخی قرار گرفته و حتی احتمال انقراض آن بر اثر این رویارویی مطرح شده، ناشی از غرق شدن در موقعیت است، در حالی که بحران کووید ۱۹ فقط یکی از چالش‌هایی است که مشابه آن (یعنی بیماری‌های همه‌گیر) پیش‌تر و به‌وفور رخ داده‌اند.

برخی نیز بر اثر همین غرق شدن، بی‌درنگ بحران کووید ۱۹ را در مدل تقابل سنت و مدرنیته بردند و تحلیل کردند گویی کرونا سرآغاز فرایند عرفی‌سازی در ایران شده، در حالی که فارغ از بحث گسست یا عدم گسست سنت و مدرنیته، که بحث مهمی است، اگر ویروس کرونا جدید است، اما پدیده همه‌گیری قدیم است و دین و ویروس، قدمتی همانند دارند.

چالش تعطیلی زیارتگاه‌ها و عبادتگاه‌های جمعی: از نظر جامعه‌شناختی «اندیشه دین از اندیشه پرستش و پرستشگاه جدایی‌ناپذیر است و دین، یک فعالیت جمعی مهم می‌باشد» (دورکیم، ۱۳۸۲: ۶۱). از نظر دورکیم دو عنصر اساسی پدیده دینی، یکی پرستش و پرستشگاه است، و دومی، ماهیت جمعی فعالیت دینی. اگر این دو از آن گرفته شود دیگر چیزی به نام دین وجود ندارد. آنچه که سبب شد کرونا، زلزله در آرامش اعتقادی مؤمنان بیفکند، دقیقاً همین بود که هم عبادتگاه‌ها و هم فعالیت‌های جمعی پیروان همه مذاهب را تعطیل کرد و چنانکه در ادامه به صورت انضمامی تبیین می‌شود، منشأ احساس ترس و نگرانی و واکنش برخی دینداران همین پندار بود که کرونا حیات و موجودیت دین را به خطر انداخته است. اما دین مؤلفه‌های دیگری هم دارد که جنبه‌های شخصی و اخلاقی آن است و با این رویدادها از میان نمی‌رود.

یکی از چالش‌ها این بود که اماکن مذهبی و مراسم مذهبی، با وجود کارکردهای متفاوت در کشورهای مختلف، تعطیل شدند. اگر در جوامعی چون ایران به خاطر درآمیختگی مذهب با سیاست، تعطیلی مراکز مذهبی بر زندگی مردم تأثیر مستقیم‌تری می‌گذاشت، در نتیجه، واکنش‌های سریع‌تر و بیشتری دریافت می‌کرد، اما در جوامعی که مذهب در حوزه عمومی خارج از اقتدار سیاسی قرار دارد و امری خصوصی است نیز دچار تعطیل و توقف شد. در همه این جوامع، تعطیلی مراسم و نهادهای مذهبی با مقاومت و فشار روبه‌رو بود.

با اوج‌گیری آمار مبتلایان و قربانیان کرونا و پیش‌بینی‌های کارشناسان درباره نحوه توسعه آن از طریق گسترش خوشه‌ای و تصاعدی، بحران کرونا شبیه جنگی گسترده با تلفات فراوان تلقی می‌شد که باید با مدیریت متمرکز به مقابله با آن شتافت. در ایران مقرر شد ستادی تشکیل شود و فرماندهی آن را بر عهده گیرد. این ستاد به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل شد و رهبری با حمایت قاطع از آن و اعلام تبعیت از تصمیمات ستاد و واجب دانستن آن به تقویت این ستاد پرداخت. بسیاری از مراجع و نهادهای دینی هم برای اولین بار رسماً تبعیت از یک نهاد کارشناسی و عرفی را واجب دانستند.

در فروردین ۱۳۹۹ پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت کشور، متن کامل اطلاعیه‌ای را منتشر کرد که بند ۶ و ۷ آن مربوط به نهادهای مذهبی بود: «۶- برگزاری هر گونه تجمع و مراسم رسمی، غیر-

رسمی و مذهبی همچنان ممنوع است. ۷- برگزاری اعیاد شعبانیه در قالب برپایی ایستگاه‌های صلواتی، برپایی مراسم، جشن‌های مولودی‌خوانی و نظائر آن ممنوع است ... در صورت عدم رعایت هر یک از موارد دوازده‌گانه فوق‌الذکر، برابر قانون با متخلفین برخورد خواهد شد» (وزارت کشور، ۱۳۹۹).

هرچند این اطلاعیه شامل بسیاری از ادارات و مراکز عمومی و عرفی هم می‌شد که بعضاً بیش از نهادهای مذهبی با زندگی روزمره مردم ارتباط داشتند و در رفع نیازمندی‌ها ضروری‌تر بودند، اما همان دو بند، در میان برخی از نیروهای سنت‌گرای مذهبی ایجاد مقاومت کرد. تعطیلی زیارتگاه‌ها با اعتراضات داخلی، آه و علیه این اقدام مواجه بود. از یک سو مخالفان تعطیلی، دست به اقدامات اعتراضی زدند، و از سوی دیگر نیروهای سیاسی مخالف، انگشت اتهام را متوجه مراکز مذهبی کردند. برخی می‌گفتند منشأ ویروس در ایران، شهر قم و حضور طلبه‌های چینی بوده، و برخی مراکز زیارتی را هدف قرار می‌دادند. در پی دستورهای صادره برای تعطیلی مراکز تجمع عمومی از جمله مساجد و اماکن زیارتی، از یک سو به خاطر خطر افزایش آلودگی در مراکز زیارتی، اتهاماتی متوجه ایران بود، و از سوی دیگر عده‌ای با تعطیلی این مراکز مخالفت می‌کردند.

گفته شد بسیاری از موارد ابتلا در کشورهای منطقه مربوط به افرادی است که به ایران سفر کرده‌اند و یکی از دلایل اصلی آن نیز زیارت اماکن مقدس شیعیان در ایران است. زیارتگاه‌های قم و مشهد که در ابتدا در مقابل دستورهای بهداشتی مقاومت می‌کردند، پس از ۲۰ روز مقاومت، سرانجام بر اثر فشارهای اجتماعی و قانونی و اراده حاکمیتی و حمایت رهبری نظام، مجبور به عقب‌نشینی شدند و در ۲۶ اسفند ۱۳۹۸ رسماً در این اماکن به روی زائران بسته شد. این در حالی بود که مسجدالحرام به عنوان مهم‌ترین مرکز دینی مسلمانان و عتبات عالیات در عراق و حرم حضرت زینب در سوریه بی‌هیچ مقاومتی تعطیل شدند.

پس از تعطیلی حرمین قم و مشهد، فراخوان‌هایی برای برگزاری تجمع‌های اعتراضی مقابل حرم حضرت معصومه منتشر شد و هنگامی که خبر تعطیلی حرم منتشر شد عده‌ای واکنش هجومی نشان دادند و برخی افراد به منظور ممانعت از بستن حرم به مراجع نامه نوشتند و خواستار مداخله آنها شدند. نکته مهم در بروز واکنش‌ها این بود که مخالفان تعطیلی، اقلیتی را تشکیل می‌دادند که فاقد جایگاه رسمی مذهبی و حتی شناخته‌شدگی بودند، اما به وسیله هواداران آنها و نیز مخالفان سیاسی مذهبی حکومت، اعتراضاتشان بزرگ‌نمایی می‌شد.

در پی بستن حرم، عده‌ای روز عاشورا در قم با شعار حیدر حیدر در حرم حضرت معصومه را که به خاطر خطر کرونا به روی زائران بسته شده بود، شکستند و وارد شدند و فیلم‌های

ویدئویی از خود منتشر کردند. طیف‌های مختلف سیاسی سنت‌گرا و اصول‌گرا و اصلاح‌طلب این حرکت را محکوم کردند و به دنبال آن، دادستان قم از بازداشت ۱۱ نفر از معترضان به تعطیلی آرامگاه حضرت معصومه خبر داد (حوزه نیوز، ۱۳۹۸).

از سوی مقاومت‌پیشگان، نامه‌هایی به مراجع نوشته و درخواست مقابله با تعطیلی مراکز مذهبی شد، اما نکته مهم، عدم اجابت این نامه‌ها و سکوت مراجع در برابر این درخواست‌ها بود، و حتی گاهی هم برعکس، اعلام نظر صریح دال بر لزوم تعطیلی این مراکز مذهبی. اما در همان هفته‌های نخست تعطیلی مراکز مذهبی فشارها آن قدر زیاد بود که بحث بازگشایی مکان‌های مذهبی در ستاد مقابله با کرونا در دستور کار قرار گرفت.

نه تنها در میان شیعه و سنی، حتی فراتر از آن می‌توان گفت این مقاومت، فقط در محدوده کنش‌های مذهبی نبود و به نوعی در سایر حوزه‌های عرفی و اجتماعی هم رخ می‌داد: در آن حوزه‌ها حمل بر بی‌اعتنایی مردم به مقررات بهداشتی و یا ناشی از بی‌فرهنگی تلقی می‌شد، ولی در حوزه مذهبی، حمل بر تعصب و بحران عقیدتی.

کمپین لیسیدن و واکنش در برابر فروپاشی عقاید: در برابر زمزمه بستن حرم‌های قم و مشهد به منظور حفاظت از سلامتی مردم در برابر شیوع کرونا، عده‌ای کمپین لیسیدن ضریح را راه انداختند تا وانمود کنند هیچ نگرانی‌ای از کرونا ندارند و ضریح امامان را شفاف‌بخش و مصونیت‌آور می‌دانند و تصاویری از لیسیدن را ضبط کردند و در فضای مجازی پخش کردند. این حرکت موجی از نگرانی را برانگیخت و بهانه‌ای به دست مخالفان داد تا گسترش و پروس را ناشی از مکان‌های مذهبی بدانند که همین موضوع، دلیل مضاعفی بر بستن اماکن متبرکه شد. کمپین لیسیدن، نوعی مقاومت در برابر فروپاشی باورها در مورد افرادی بود که باورهایشان نه به مباحث معرفتی و عقلانی که به امور عاطفی، بند بود.

در انگلستان نیز همزمان با شیوع کرونا و در حالی که پزشکان انگلیسی از مردم این کشور خواستند از شرکت در چالش کرونا دست بردارند زیرا باعث مرگشان خواهد شد، برخی از شهروندان بریتانیایی به عنوان مقابله با این درخواست‌ها اقدام به لیسیدن [فرنگی] کردند و کمپین لیسیدن توال [فرنگی] و لیس زدن میله‌های اتوبوس و مترو و لیس زدن دستگیره در ماشین راه افتاد (گویا دیلی^۱، ۳۰ مارس ۲۰۲۰).

کمپین لیسیدن اگر فقط در مکان‌های مقدس مذهبی مسلمانان بود تحلیل‌گران و جامعه‌شناسان را به بیراهه می‌برد و آن را ناشی از فقر فرهنگی و توسعه‌نیافتگی جهان سومی قلمداد

¹. <http://gooyadaily.com/entertainment/lick-the-toilet-in-england.html>

می‌کردند، اما کمپین لیسیدن در انگلیس، چهره در انگلستان نیز همزمان با شیوع کرونا و در حالی که پزشکان انگلیسی از مردم این کشور خواستند از شرکت در چالش کرونا دست بردارند زیرا باعث مرگشان خواهد شد، برخی از شهروندان بریتانیایی به عنوان مقابله با این درخواست‌ها اقدام به لیسیدن توالت [فرننگی] کردند و کمپین لیسیدن توالت [فرننگی] و لیس زدن میله‌های اتوبوس و مترو و لیس زدن دستگیره در ماشین راه افتاد (گویا دیلی، ۳۰ مارس ۲۰۲۰).

دیگری از حقیقت را آشکار ساخت و نشان داد هرچند هر دو گروه در اقلیت هستند، اما بشر با پدیده جهل فراگیر مواجه است.

کمپین لیسیدن و پدیده جهل جهانی نشان می‌دهد جمعیت بزرگی وجود دارد که در صورت احساس شکست عقایدشان و یا در صورت سرخوردگی، رادیکال می‌شوند و به موضع لجبازی و تقابل شدیدتر با هرچه مظهر تفاوت و اختلاف با عقیده آنهاست، کشیده می‌شوند. پدیده جهل مقدس، به تعبیر اولیویه روا^۱، پدیده جهانی است که همواره حضور داشته و امروز هم زنده است ولی وقتی به قدرت و سیاست نزدیک می‌شود، پرخطر می‌شود. روا پس از اشاره به تجربیات ارتباطی‌اش با افراد فرقه‌های مختلف اسلام‌گرا، مسیحی، یهودی، مارکسیست و مائوئیست، می‌گوید «دوران جهل مقدس از راه رسیده است» (روا، ۱۳۹۷: ۱۴). سخن پایانی کتابش هم این است که «جهل مقدس برای ماندن و شکوفا شدن زمان زیادی در اختیار دارد» (همان: ۳۶۷).

چالش علم و دین؛ عقل‌گرایی و خرافات: خرافات نیز مانند سایر برساخته‌های بشری، بازار ویژه خود را دارند و در شرایط خاصی رونق می‌گیرند و مشتریان خود را پیدا می‌کنند یا از رونق می‌افتند. یکی از زمینه‌های رونق‌گیری آن، «زوابای مجهول رویدادها» است و به میزانی که آگاهی انسان به موضوع کمتر باشد احتمال گرایش به خرافه بیشتر است.

خرافه از قدیمی‌ترین پنداشته‌های بشری است و ربطی به آیین خاصی ندارد و برساخته طبیعت بشری است، اما همین خرافه هنگامی که در کسوت ایدئولوژی ظهور می‌کند پدیده‌ای غیرطبیعی می‌شود و می‌تواند برای مهندسی جامعه به کار آید و پرخطر شود. «تفکر خرافی به عنوان یک نیروی مسحورکننده و احساس آرامشی از این که عالم غیب، همواره نقشی در رویدادها، پدیده‌ها و حوادث دنیای مادی بازی خواهد کرد و نهایتاً به کمک ساکنان زمین خواهد آمد، می‌تواند نگرانی‌های دنیای مادی را تسکین دهد.

^۱ . Olivier Roy

در این مورد، رفتار خرافی به عنوان مُسکن، واقعیت را تحریف می‌کند» (رهنما، ۱۳۹۴: ۲۶۵-۲۶۶).

هرچند مراجع دینی بزرگی همواره با خرافات به نام دین مقابله کرده و خرافات را برای عقاید دینی خطرناک دانسته‌اند (نک: محدث نوری، ۱۳۸۱؛ مهاجری، ۱۳۹۹؛ صالحی نجف-آبادی، ۱۳۸۴ و مطهری، ۱۳۹۸) اما خرافات، مخلوق جامعه و جهل توده است و همواره وجود دارد و در برخی حوادث، فربه می‌شود.

در عین حال، تلاطم‌های سیاسی و نارضایتی‌ها و واکنش‌ها نسبت به حکومت دینی سبب می‌شود عواطف و عقلانیت در هم آمیزد و مرزهای آنها جابه‌جا شوند و اموری که توضیح منطقی دارند نیز در زمره خرافات قرار گیرند.

چالش شفابخشی: یکی از کانون‌های تقابل علم و دین در بحران کرونا، مسئله شفابخشی بود. فرهنگ شفا در توده مردم به جایی می‌رسد که از اشیای مقدس، درخواست بهبود می‌کنند. دورکیم در جای جای کتاب *صور/بتدایی حیات مذهبی* از استمداد و رفع مشکل بیماری و زایمان و شفا جستن از اشیای مقدس در ادیان ابتدایی گزارش داده است (دورکیم، ۱۳۸۲: ۱۵۸-۱۶۴-۳۶۲-۳۵۳). با ظهور مذاهب توحیدی، شورش علیه این ابزارانگاری رخ داد، اما به مرور زمان، دوباره همان پدیده تکرار شد، زیرا بشر نیاز به تجسد دارد. از نظر وبر «در دوره اولیه و جادویی، خدایان به صورتی انسانی بازنمایی نمی‌شدند ولی به محض اینکه تفکر نظام-مند در مورد عملکرد مذهبی رخ می‌دهد و سطحی از عقلانیت زندگی به دست می‌آید، خدایان در یک جامعه، عموماً به تکامل می‌گریند ... بیش از پیش، عقیده انسان‌ریختی خدایان به وجود می‌آید. انسان‌ریختی و بازنمایی تجسمی خدایان یونانی به شکل شخصیت‌های واقعی بسیار بیشتر از دین اصیل رومی‌ها بود» (وبر، ۱۳۹۷: ۸۶-۸۵).

در دوره کرونا، هم خود طلب شفا کردن و هم امکان حقیقی شفا گرفتن، محل بحث واقع شد. هرچند این مناقشه، قدیمی بوده و در آثار ابن تیمیه و پس از آن، همواره به این عقاید تاخته‌اند (سبکی، ۱۴۱۹؛ سبحانی، ۱۳۸۸). در اوایل سده جاری نیز آیت‌الله خمینی در ایام جوانی کتابی در پاسخ به منتقدانی که این باورها را شرک‌آمیز می‌دانستند، نوشت و گفت «پس اگر کسی از تربت یا هرچه شفا خواهد بعنوان اینکه او خداست یا شریک خدا است یا دستگاهی در مقابل خدا دارد و مستقل در تأثیر است یا صاحب آن قبر خدا است شرکست بلکه دیوانگی و جنون است و اگر با این عقیده باشد که خدای قادر بر هر چیز در این یک مشت خاک بواسطه قدرتانی از یک فداکار که در راه دین او تمام هستی خود را از دست داده شفا قرار داده هیچ شرکی و کفری لازم نمی‌آید» (آیت الله خمینی، بی‌تا: ۴۱-۴۰). در بحبوحه همه‌گیری کرونا،

خداناباوران نیز فرصتی به دست آوردند و با بی‌اعتبار خواندن شفاعت‌بخشی اماکن مذهبی به چالش با آن برخاستند.

هم‌زمان و در مقابل نیز برخی در پی توجیه عقلی مسئله برآمدند اما گروهی نیز در برابر انتقادات آتئیستی معتقد بودند باید ایستادگی کرد و راه مقابله را بی‌اعتنایی به دستورهای ستاد کرونا و نشان دادن مصونیت زائران در عمل می‌دانستند.

چالش منجی‌گرایی: اصولاً پدیده‌های همه‌گیر مانند طاعون و وبا، و امروز کرونا، از یک سو عقاید آخرالزمانی و هزاره‌گرایی را رونق می‌بخشند، و از سوی دیگر، منجی‌گرایی را به میان می‌آورند. «هزاره‌گرایی گاهی اساساً به عنوان طغیان توده‌های فقیر علیه گروه‌های ممتاز تبیین گردیده است» (گیدنز، ۱۳۷۹: ۵۱۶). البته دیدگاه‌های آخرالزمانی با عقیده انتقام الهی تجانس دارد. یکی از باورمندان آن می‌نویسد: آشوب بزرگی، جهان را در بر گرفته است. ترس و اضطراب بر سراسر دنیا حاکم گشته. او با اشاره به شاخه‌ای از ریاضیات که به مطالعه سیستم‌های دینامیکی آشفته می‌پردازد و به «نظریه آشوب»^۱ شهرت دارد به نمونه‌هایی از عذاب‌های سخت الهی و هلاکت اقوام اشاره می‌کند (همایی‌راد، ۱۳۹۹). «یعقوب لیتسمان وزیر بهداشت دولت اسرائیل گفت حضرت مسیح در عید پاک می‌آید و اسرائیلی‌ها را که بابت کرونا در قرنطینه‌اند، از کرونا نجات می‌دهد! آویگدور لیبرمن، وزیر دفاع سابق اسرائیل، در پاسخ گفت این وزیر بهداشت ما، وزیر بهداشتی است که از قرن نوزدهم برجامانده است» (ایسنا، ۷ فروردین ۱۳۹۹). برخی گفته‌اند کرونا از نشانه‌های ظهور امام زمان است. «کرونا از نشانه‌های ظهور امام زمان (عج) است زیرا در روایات آخرالزمان به مرگ سفید به عنوان نشانه ظهور اشاره شده است، این روایت را می‌توانیم با ویروس کرونا تطبیق دهیم، زیرا کرونا باعث سفید شدن ریه افراد می‌شود» (توسلی‌زاده، ۱۳۹۹). برخی دیگر این اظهارات را به مثابه شبهه تلقی و رد کردند.

در دوره بحران کرونا دو نظریه قوت گرفت. یکی این‌که منجی‌گرایی تقویت شده و دیگری اینکه منجی‌گرایی تضعیف شده است. گروه اول استدلال می‌کند که: «شاید در تاریخ بشر، کمتر دوره‌ای اتفاق افتاده باشد که آحاد بشری، جامعه بشری در همه جای عالم به قدر امروز، احساس نیاز به یک منجی داشته باشند. احساس نیاز به یک منجی، احساس نیاز به مهدی، احساس نیاز به یک دست قدرت الهی است» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۹).

گروه دوم نیز مانند حیدری، از استادان حوزه قم، می‌گوید «مدعیان اسلام در برابر ویروس کرونا چه چیزی برای گفتن دارند؟ راه حل شما چیست؟ اثر دعا، توسل، اعتقاد به مهدویت و ... کجاست؟» (ساجدی، ۱۳۹۹؛ رضایی، ۱۳۹۹).

^۱ . chaos theory

پرسش‌ها و ابهامات در زمینه منجی‌گرایی به نخبگان و رسانه‌ها هم کشیده شد (برنجکار، ۱۳۹۹؛ اصفهانیان، ۱۳۹۹).

رمضان کرونایی: فرارسیدن ماه رمضان، برگ دیگری از چالش‌های مذهبی ناشی از کرونا را برانگیخت. در شرایط کرونایی وارد ماه رمضان شدیم که از طولانی‌ترین روزها در تقویم رمضان است، یعنی شانزده ساعت و نیم در شهری مانند تهران و در هوای داغ تابستان. دخالت عنصر گردش طبیعت و وضعیت جغرافیایی و نیز تعارض علم و دین و پزشکی و شریعت یک‌جا ظهور کردند. آیت الله سیستانی فتوا داد: وجوب روزه ماه رمضان، یک تکلیف فردی است و هر کس که شرایط وجوب آن را داشته باشد باید فارغ از اینکه برای دیگران واجب باشد یا خیر، روزه بگیرد. کسانی که به هیچ دلیلی نمی‌توانند کارشان را رها کنند و ترس از این دارند که اگر در طول روز، آب ننوشند به ویروس مبتلا می‌شوند و هیچ کار دیگری نتوانند انجام دهند که آنها را از ابتلا به بیماری مصون نگه دارد، روزه بر آنها واجب نیست (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت الله سیستانی^۱، ۱۷ شعبان ۱۴۴۱). این فتوا در فقه شیعه بدیع نبوده و نیست و همه فقهای شیعه، قائل به جواز شرب عندالاضطرار هستند، اما فتوای مهم آیت الله سیستانی درباره روزه‌داری در ایام کرونا نمونه دیگری از نقش مثبت مرجعیت در بحران کرونا بود.

محرم، چالشی بزرگ‌تر: بحث جامعه‌شناسی کرونا به مباحث دین یا جامعه‌شناسی محدود نمی‌شود بلکه چالش‌هایی که برمی‌انگیزد، آن را تبدیل به موضوعی برای جامعه‌شناسی دین می‌کند. برای مثال اینکه آرایشگاه، باشگاه، عروسی و عزا تعطیل، ولی مراسم محرم برگزار می‌شود، این مسئله، موجب بروز چالش اجتماعی است. از یک سو گروه‌هایی از مردم می‌گویند اگر کرونا خطر دارد باید همه جا تعطیل باشد، اگر خطر ندارد باید همه جا باز باشد. نهادهای کارشناسی می‌گویند خطرناک است، بنابراین پدیده‌های عرفی مانند جشن عروسی را تعطیل می‌کنند. اما نیروهای سنت‌گرای مناسک‌گرا که قدرت فشار و چانه‌زنی دارند، دستگاه‌های کارشناسی را وادار به اتخاذ تصمیم غیرکارشناسی می‌کنند. به عبارتی، تصمیماتی که پیامدهای آن متوجه جامعه است، تبعاتی را در پی دارد و موجب بروز چالش اجتماعی درباره جایگاه و منزلت دین و یا به تعبیر دیگر «کارکرد نامناسب» دین می‌شود. وقتی که مناسک‌گرایی به نام دین انجام می‌شود، از بین رفتن اعتبار آن مناسک می‌تواند زمینه‌ساز آسیب دیدن منزلت دین در جامعه باشد. این پدیده را نمی‌توان به رشد گرایش سکولار تعبیر کرد. تغییر گرایش، روند

¹ . <https://www.sistani.org/persian/archive/26416>

است، روند عقلانی شدن و زمینی شدن دین و این در حالی است که آنچه از آن سخن می‌گوییم روند ایجاد بحران است.

برگزاری سوگواری محرم در بحران کرونا یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های مذهبی بود، اما بی‌سابقه نبود، گرچه این پیشینه از حافظه جمعی غایب بود و در گفته‌ها و نوشته‌ها کوشش در یادآوری آن و پندگیری بود. در محرم ۱۳۱۰ هجری قمری (مرداد ۱۲۷۱ هجری شمسی) که وبا اپیدمی شده بود، مردم به عادت دیرین به عزاداری پرداختند. «اجتماعات و مراودات بر زیادت می‌گردد. اسباب انتشار مرض از هر طرف مهیا می‌شود. از روز دوم محرم، وبا طغیان می‌کند. هنوز به دهم نرسیده، روزی صدها تن از مردم هلاک می‌گردند. وبا روز به روز بر طغیان خود می‌افزاید. اضطراب مردم به حد کمال می‌رسد. هرکس بیشتر می‌ترسد، زودتر می‌میرد. شمار مردگان در تهران به روزی ۱۵۰۰ نفر می‌رسد. اموات را در تابوت و تابوت را بر پشت الاغ به قبرستان می‌برند و هیچ گونه تشریفات برای هیچ مرده‌ای از هر خانواده‌ای باشد، به‌جا نمی‌آورند. به این سادگی و آسانی باز یک روز و دو روز، جنازه‌های عزیزان در برابر پدران و مادران و ارحام و اقارب بر زمین است و وسایل کفن و دفن آنها فراهم نمی‌شود (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۱۱۶).

به این دلیل، مناسک محرم بزرگ‌ترین چالش بود که با وجود مخالفت‌ها و مقاومت‌های فراوان در برابر تعطیلی زیاتگاه‌ها و بقاع متبرکه، سرانجام با همراهی نهادهای مذهبی، موفق به تعطیلی زیارتگاه‌ها شدند، اما درباره محرم، شرایط متفاوت بود و چون پراکندگی آن بسیار گسترده است و در مکان معینی مانند زیارتگاه نبود، ممانعت از آن نیز میسر نبود.

آنچه این چالش بحران‌زا را تشدید می‌کرد این بود که تصمیم به برگزاری مراسم محرم درست در زمانی صورت گرفت که آمار مبتلایان به کرونا و قربانیانش، نه روند کاهشی بلکه روند افزایشی داشت، و نوع تجمع می‌توانست به گسترش شدیدتر آن بینجامد.

این پرسش به وجود می‌آید که آیا اساساً نهادینه شدن مناسک، مطلوب است یا نامطلوب؟ نهادینه شدن مناسک در شرایط عادی می‌تواند باعث ایجاد قراردادها و تعریف عادت‌هایی شود که کارکردهای مثبتی دارند، اما همین نهادینگی و تثبیت شدن می‌تواند در شرایطی مشکل‌ساز شود چنانکه در مورد محرم شد، به‌ویژه در ایران که محرم با همه مراسم دیگر، تفاوت‌های عظیم دارد. مناسبت محرم، عمومی‌ترین و پایدارترین مناسک مذهبی است که در ایران وجود دارد و مشارکت‌کنندگان نیز لزوماً افراد متشرع یا مذهبی نیستند و به دلایل دیگر، گروه‌ها و اقشار مختلفی از متشرعه تا غیرمتشرعه و از لوطیان تا فرهیختگان در آن شرکت می‌کنند.

کمیته اطلاع‌رسانی ستاد ملی مدیریت و مقابله با کرونا، با توجه به نزدیک شدن ایام محرم و برگزاری آیین‌های سوگواری، اطلاعیه خود را با تأکید ویژه بر رعایت «دقیق و کامل دستورالعمل‌های بهداشتی از سوی مردم، سخنرانان و مسئولان هیئات مذهبی، تکایا و حسینیه‌ها» در ایام ماه محرم منتشر کرد.

با اعلام مقررات مزبور، موجی در رسانه‌های برون‌مرزی مخالف و به تبع آن در شبکه‌های اجتماعی به وجود آمد که دولت به خاطر محرم، مردم را در معرض نابودی قرار داده است. گروه دیگری با دستاویز قرار دادن این محدودیت‌ها و مقررات، حمله به ستاد ملی مبارزه با کرونا را در دستور قرار دادند و اقدامات آن را نوعی مبارزه با محرم جلوه می‌دادند.

سوگواری محرم به نقطه تلاقی دین و سیاست و مدیریت سیاسی منجر می‌شود یعنی در جامعه‌ای که اعتماد به نهادهای رسمی کاهش یافته و معمولاً آمارها را واقعی نمی‌دانند، جامعه تصور می‌کند که حکومت برای نشان دادن درستی تصمیمات خود و ساکت کردن مخالفان، آمار مربوط به مبتلایان کرونا در تجمعات محرم را دستکاری می‌کند تا نشان دهد در تجمعات مربوط به مراسم مذهبی، آمار مبتلایان بالا نرفته است. آنگاه این پرسش به وجود می‌آید که اگر همین پروتکل‌های بهداشتی در مورد باشگاه‌ها و سالن‌های عروسی و ... رعایت شود، چرا آنها نباید بازگشایی شوند؟

پرسش‌های متوالی که ایجاد می‌شود و رسانه‌های مخالف ایجاد می‌کنند و بی‌پاسخ می‌ماند، ترک‌های بیشتری را در باورها و اعتقادات بخشی از جامعه ایجاد می‌کند، و بخش دیگری نیز احساس پیروزی می‌کند. به عبارت دیگر، هیچ مسئله‌ای حل نشده است بلکه همان دوگانگی که در گذشته وجود داشته، تعمیق و تشدید می‌شود.

از طرفی تجربه رفتار بخشی از جامعه در تعطیلات نوروز و سیزده بدر و میهمانی‌های خانوادگی که آشکارا در تضاد با مقررات بهداشتی و ممنوعیت‌های اعلام شده و نوعی تمرد از حکومت بود و راهی برای برخورد با آن وجود نداشت و در عین حال از عوامل پایداری بحران کرونا بود، نشان می‌داد رفتار مشابه در جامعه مذهبی نیز تکرار خواهد شد. به‌ویژه که سنت سوگواری محرم، بسیار ریشه‌دار است و برخلاف ترمدهای دیگر، باور به شفابخشی و مصونیت در آن، احتمال این تکرار را نیرومندتر می‌کند، از این‌رو مقابله با برگزاری مراسم محرم، روشی از پیش شکست‌خورده و تنش‌زا خواهد شد. تدبیر دولت و ستاد کرونا این بود که به جای مقابله با موج، سوار موج شود و آن را مدیریت کند که عوارض زیان‌بار کمتری داشته باشد. این شیوه مدیریت البته درباره بسیاری از بحران‌های چهار دهه گذشته مانند ورود پدیده‌های نو از قبیل ویدئو و ماهواره و شبکه‌های اجتماعی نیز می‌توانست دنبال شود ولی به‌رغم توصیه‌های

کارشناسان چنین نشد و هم چالش‌های دینی را عمیق‌تر کرد و هم کنترل و سخت‌گیری و فشار بر مردم از چشم دین دیده شد و در عین حال، همه شیوه‌های مقابله هم ناکام ماند و هزینه‌های بسیاری را در پی آورد. با این حال برای نخستین بار در بحران کرونا به دلیل تمرکز مدیریتی و تمکین همه نهادها به تصمیمات آن به عنوان نهاد کارشناسی، اتخاذ این شیوه میسر شد و الگویی برای مدیریت سایر بحران‌ها ایجاد کرد.

گونه‌شناسی واکنش‌ها

در برابر رخداد‌های کرونایی در حوزه مذهبی می‌توان واکنش‌ها را به سه دسته «مصادره» و «مقاومت» و «سیالیت» تقسیم کرد که در ادامه، توضیح داده شده‌اند.

مصادره (رویکرد جزم‌گرایانه سکولار): افرادی شرایط پیش‌آمده را مصادره به مطلوب می‌کردند و می‌گفتند کرونا نشان داد دین و نهادهای دینی، بود و نبودشان اهمیتی ندارد. برخی به سبب همین اظهارات، متهم و محاکمه شدند. گرچه این سخنی نادرست بود که با تعطیل شدن مراسم و مناسک مذهبی هیچ اتفاقی نیفتاده و این موضوع نشان‌دهنده این است که این نهادها ضرورت و فایده‌ای ندارند، اما این سخن عوامانه به طور غریزی و فطری با حقیقتی اجتماعی انطباق پیدا کرد و آن حقیقت این است که تعطیل مناسک مذهبی در واقع نسبت زیربنا و روبنا را نشان داد. آنچه که باعث اختلال در زندگی مردم می‌شود و آنچه که همه انسان‌ها با هر گرایش و عقیده و سطحی از زندگی به طور یکسان به آن واکنش نشان می‌دهند و به طور غریزی برمی‌آشوبند و طغیان می‌کنند «اختلال در معاش» است. ضروری‌ترین، عالی‌ترین، واقعی‌ترین و مادی‌ترین حاجت بشری، معاش است، یعنی آنچه به بقای او مربوط می‌شود. به همین دلیل است که امور معنوی و دینی آنجا که در جهت تسبیح امور مادی و معیشتی مردم و یا تسهیل آن باشند، دوام و کارکرد دارند و حقیقت جدی‌تری پیدا می‌کنند. اگر جز این باشد، در واقع امور دینی و معنوی، تشریفات و مناسکی است که جنبه تفننی دارد نه جنبه ضروری. دین نیز هنگامی که در خدمت تسهیل زندگی و معاش بشر باشد آنگاه تبدیل به امری ضروری می‌شود. دین به عنوان قانون باید موافق و منطبق با زندگی و معاش بشری باشد و این کارکرد، موجب تداوم است. به همین دلیل در متن دین نیز آیاتی که در مورد خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و به نوعی معاش و زندگی مادی و روزمره مردم هستند، وزن زیادی دارند و حدود ۶۹ آیه را در بر می‌گیرند (شمشیری و سهیلی‌پور، ۱۳۹۹: ۲۳۴-۲۳۵). اگر آیات دیگری مانند آیات اسراف و تبذیر و ... هم افزوده شوند، شمار افزون‌تری پیدا می‌کنند. در واقع، از منظر دینی هم باید ابتدا آن بخش که مربوط به معاش است، محقق شود، تا آیات اخلاقی

تحقق یابند. از همین طریق، نکته دیگری هم آشکار می‌شود و آن این است که: دین و مناسک دینی حتی همان بخشی که صرفاً جنبه مناسکی دارد و یا جنبه تفننی دارد و بیشتر به ارضای نیازهای عاطفی و روحی بشر باز می‌گردد، آنجا که به معاش و اقتصاد مرتبط می‌شود، دوام و قوام بیشتری پیدا می‌کند.

هنگامی که نهادهای دینی شکل می‌گیرند و سازمان‌های عظیم اقتصادی و گردش مالی ایجاد می‌کنند، در واقع، این ابعاد مالی و اقتصادی هستند که نهاد دینی را سرپا نگه می‌دارند. همه اینها را فقط متغیر اثرگذار طبیعی مانند ویروس کرونا می‌توانست به آزمون درآورد. به عبارتی ویروس کرونا به عنوان یکی از ویروس‌هایی که جان آدمی و سلامت او را تهدید می‌کند، توانست بدون نیاز به نظم و قشون و زور و قدرت و حکومت، آدمیان را به تغییر عادات و سبک‌ها و آزمودن آنچه در زندگی‌اش گمان می‌کرد ضروری و حیاتی است، وادار کند. ویروس کرونا در آزمون و پالایش نیازهای حقیقی و تفننی، نقش متغیر مستقل را ایفا کرد.

مقاومت (رویکرد جزم‌گرایانه مذهبی): مقاومت‌های برانگیخته شده در برابر تصمیم ستاد کرونا برای تعطیلی مراکز مذهبی و بقاع متبرکه تا حدی ریشه در واکنش به ابهامات و پرسش‌های عقیدتی داشت. وقتی عقیده و ایدئولوژی درونی^۱ می‌شود و به بخشی از هویت فرد تبدیل می‌شود، پدیده تعصب، ناخودآگاه شکل می‌گیرد. در شرایطی که به دلیل خطر ابتلا به بیماری، مراکز مذهبی تعطیل می‌شوند، فرد در معرض هجوم این پرسش قرار می‌گیرد که مگر این اماکن مقدس مصونیت ندارند؟ مگر شفاعت نیستند؟ و چون تعطیلی آنها به معنی پذیرش بطلان آن باورها و پیش‌فرض‌هاست، او در برابر ترک برداشتن ایدئولوژی‌اش واکنش نشان می‌دهد. این مسئله نیز تا حدی ریشه در تفاوت‌های معرفتی و شناختی نسبت به مذهب و مناسک مذهبی و اماکن مقدسه دارد.

در آسیب‌شناسی می‌توان گفت دلیل عمده این نوع پیامدها که با هجوم کرونا می‌تواند اعتقادات را دستخوش تزلزل کند و پیامدهایی نظیر سستی اعتقادات مؤمنان را در پی داشته باشد، این است که عده‌ای از روحانیان در شرایط عادی در بسط انتظار از دین می‌کوشند و آن را از جایگاهی که هدف اصلی‌اش «مکارم اخلاق» است به جایگاهی هرچه دست‌نیافتنی‌تر و به آیین پزشکی - درمانی و رافع همه مشکلات بشر ارتقاء می‌دهند و پیوسته در گسترش آن به همه حوزه‌های خصوصی و عمومی می‌کوشند. اینان از ضعف‌های دانش و علوم بشری، بهانه و فرصتی برای سلب مشروعیت از توانایی بشر و اقتداربخشی به دین و حقانیت نسخه‌های خود فراهم

^۱ . internalize

می‌کنند، و دست کم اینکه ثابت کنند علم، شرافتی ندارد، و در نهایت، دین حداکثری می‌سازند. این تلقی از دین از زمینه‌های چالش‌خیز در بحران‌هایی چون ویروس کووید ۱۹ است.

سیالیت و انعطاف (رویکرد معناگرایانه و خردورزانه مذهبی): دو جریان مصادره و مقاومت، با همه تضادی که دارند، در یک چیز مشترک هستند، و آن، داوری‌های ارزشی ذهنی و دوری از واقع‌گرایی و سیالیت است. در برابر دو جریان یادشده، رویکرد خردورزانه و معنا-گرایانه به دین، که از تصلب به دور است، مشاهده می‌شود. این نکته مثبت و واقع‌گرایانه‌ای بود که حوزه‌های علمیه و بیوت مراجع و مؤسسات تحقیقاتی مذهبی با اولین اطلاعیه وزارت بهداشت و طبق دستورهای دینی دال بر وجوب حفظ «نفس»، با تعطیلی موافقت کردند. اماکن زیارتی نیز پس از چند روز مقاومت، تمکین کردند. مسجدالحرام، مهم‌ترین مرکز دینی مسلمانان، و عتبات عالیات در عراق و سوریه نیز تعطیل شدند.

این جریان سیال و معناگرایانه مذهبی، جریانی است که همواره به دلیل انطباق‌پذیری با شرایط، بر جای می‌ماند. از قضا این جریان، پیشینه و پشتوانه فربه‌تری در سنت دینی دارد، چنانکه پاره‌ای از روایات نیز گرچه جزء احادیث طبقه‌بندی شده‌اند، اما نگاهی عقلایی به مسائل دارند و شیوه زمینی و انسانی در برابر مشکلات آدمی را ترویج می‌کنند.

نتیجه‌گیری

در جامعه‌شناسی، به ویژه جامعه‌شناسی دین، نکته بسیار کلیدی و اساسی وجود دارد که وبر نیز به آن اشاره دارد: «همه پدیده‌های جامعه‌شناختی، خصلتی سیال دارند» (وبر، ۱۳۹۷: ۱۱۲). نکته‌ای که اگر خوب درک شود، برای شکل دادن بینش جامعه‌شناختی و جلوگیری از افتادن در دام جزمیت‌ها و داوری‌های قطعی و نهایی، سودمند است. در بررسی که انجام گرفت، عمدتاً همین جنبه سیال پدیده‌های جامعه‌شناختی نشان داده شد.

مهم‌ترین فرضیه این مقاله، فرضیات آینده دین است، که برخی از فربه‌تر شدن آن و برخی از فروتر شدن آن سخن می‌گویند. برخی به افول دین و برخی دیگر به رشد دین معتقدند و حتی کسانی می‌گویند بنیادگرایی رشد می‌کند. در اینجا نظریه به محاق رفتن و فروتر شدن دین، بیشتر مورد توجه و نقد است.

به گمان نگارنده، نفس این همه تنوع و گستردگی نظرات و فرضیات مطرح‌شده نشان می‌دهد که برخلاف فرضیه احتضار دین، در مجموع شرایط نسبت به گذشته، تغییر چندانی نداشته، و کفه هیچ کدام بر دیگری غلبه نیافته و همچنان هر کس در چارچوب عقاید خویش، نظریه‌پردازی می‌کند. فقط بر بحث‌های بیشتر دامن زده‌اند.

برخلاف کسانی که معتقدند پس از کرونا بنیادگرایی می‌بالد، و یا برعکس، گروه دیگری معتقدند مذهب‌گرایی رشد می‌کند، حاصل دو نگاه نشان می‌دهد که هر دو دیدگاه بر نظر خود باقی می‌مانند و هر کدام، از آنچه در جهان واقعی رخ می‌دهد برای حقانیت خود یاری می‌جویند و شواهدی می‌آورند. به همین دلیل است که در میان فلاسفه ۴۰۰۰ هزار پیش هم، مطالب کفرآمیز و دین‌دارانه، شبیه چیزی است که امروز می‌شنویم.^۱

برخلاف این تصور که کرونا به رشد سکولاریسم و افول دین می‌انجامد، به گفته روا «حیای دین، واکنش علیه سکولاریزاسیون نیست بلکه ثمره آن است. بازگشت دین در کار نیست بلکه با تحول دین روبه‌رو هستیم» (روا، ۱۳۹۷: ۲۵).

این بخش از دیدگاه دورکیم که پیش‌بینی می‌کرد دین سنتی در دوره مدرن جای خود را به دین تازه‌ای می‌دهد که اخلاق پوزیتیویستی است، محقق نشده، اما کارکردهایی که برای دین در جامعه سنتی برشمرده، در بحران کرونا مجدداً تأیید شده‌اند. چه مقاومت‌هایی که در برابر تعطیلی مناسک، صورت گرفت، بیانگر نیرومندی همان وابستگی به مناسک و کارکردهای آن است، و چه تعطیل مناسک به شیوه موقتی و با این استدلال که نباید با به خطر افتادن جان مردم، عقاید آنها متزلزل و نقش و جایگاه دین تضعیف شود.

اگر رویارویی تمام‌عیاری میان تمامیت جبهه دین‌داران و خدا‌ناباوران به وجود می‌آمد، شاید پیش‌بینی‌های مربوط به افول دین و دین‌داری محتمل الوقوع بود، اما اساساً هیچ‌گاه در طول تاریخ، چنین یک‌دستی میان نیروهای مذهبی نبوده است که چنین رویارویی تمام‌عیاری محقق شود، و دیگر اینکه جریان سیال و واقع‌گرای مذهبی در جریان بحران کرونا نقش مؤثرتری ایفا کرد و با دستورها و مقررات بهداشتی برای حفاظت از سلامت و جان مردم، همراهی وسیعی داشت. نویسندگان بسیاری شهادت داده‌اند که نه تنها در جوامع اسلامی بلکه در همه جوامع مذهبی چنین بوده است: «مسیحیان، مسلمانان، بودایی‌ها، هندوها و سیک‌ها و دیگر پیروان نقش مهمی در مقابله با ویروس کرونا ایفا کردند. تقریباً همه آنها مجبور به رعایت محدودیت‌های شدید شدند. در دوران قرنطینه کرونا بیشتر مسلمانان، مسیحیان، هندوها، یهودیان و غیره شدیداً آیین‌های معنوی خود را در نهایت رعایت بهداشت و فاصله اجتماعی و با حداقل تشریفات برگزار کردند. البته این بدین معنا نیست که مشکلاتی وجود نداشته است. اهالی ایمان، نخست توسط پاندمی کرونا زمین‌گیر شدند؛ محروم شدن از اجتماعات برای خواندن دعا، مناجات و آوازخوانی دسته جمعی، مراقبه و پخش و توزیع غذا و نوشیدنی، که

^۱. رجوع کنید به ویل دورانت، *قهرمانان تاریخ*، ترجمه زرین فقایان، تهران، انتشارات پارسه، ۱۳۹۷

نبض حیات ادیان است. البته در میان متدینان افرادی در ابتدا قرنطینه را پس زدند. برخی مسیحیان و مسلمانان بنیادگرا و یهودیان سخت‌کیش خواستار ادامه وضعیت گردهمایی سابق بودند با این اعتقاد که تنها خدا قادر به تعیین تقدیر است اما این نگرش از سوی پاپ فرانسیس و رهبران هفت مذهب بزرگ به چالش کشیده شد. خاخام اورشلیم گوشن گوشتتاین^۱ نیز سلسله برنامه‌های ویدئویی ترتیب داد» (تاد^۲، ۲۰۲۰). همراهی عمده جوامع مذهبی، مؤید گزارش ویل دورانت از همراهی روحانیان و پزشکان در پاندمی موسوم به مرگ سیاه در سده هجده میلادی است. همین کارکرد سودمند، از عوامل دوام نهادهای مذهبی است.

تجربه تاریخی نیز نشان می‌دهد که: «در دوره جدید دین نیز چون دیگر شئون فرهنگی به کلی متروک نمی‌شود بلکه در عالم جدید در حکم ماده و مواد فکری، فلسفی و هنری و سیاسی درمی‌آید و در خدمت سیاستمداران و هنرمندان و فیلسوفان قرار می‌گیرد. به این ترتیب، دین فعلیت و فعالیت خود را از دست می‌دهد و این روح تمدن اومانیستی و اصالت بشر است که به آن، صورت و جهت می‌بخشد. دین در این وضع در شعاع تفکر عالم قرار می‌گیرد یعنی آن را دور نمی‌اندازند و مورد بی‌اعتنایی قرار نمی‌دهند بلکه در عالم جدید، صورتی متناسب با این عالم پیدا می‌کند» (منتسکیو، ۱۳۷۰: ۴۲ [مقدمه محمد مددپور]).

البته پدیده‌هایی مانند کرونا مستقیماً نمی‌توانند ناتاب‌آوری یا ناپایداری اعتقادات را بنمایانند زیرا چنانکه تجربیات تاریخی نشان می‌دهند، هم‌زمان می‌توان وقایعی دال بر پناه - بردن به دین را هم نشان داد. بیماری‌ها بیش از اینکه مستقیماً سبب تحولات فکر دینی شوند، سبب تغییرات اجتماعی می‌شوند، و به واسطه تغییرات اجتماعی می‌توانند تأثیرات بیشتری در باورهای دینی بر جای بگذارند. برای مثال برخلاف اینکه گفته می‌شود: «در این دوران، کلیسای کاتولیک بر تمام عرصه‌های زندگی انسان‌ها در اروپا تسلط داشت. مردم که خود را در برابر طاعون، بدون سلاح می‌دیدند به کلیساها پناه می‌بردند و از کشیشان، طلب کمک می‌کردند. رفته‌رفته این سؤال در اذهان مردم مطرح شد که چرا هیچ کاری از دست کلیسا ساخته نیست و کشتار ناشی از طاعون هم‌چنان ادامه دارد؟ قدرت بی‌چون و چرای کلیسا شکاف برداشت و صحنه برای تغییرات تاریخی که نهایتاً به خلع قدرت کلیسا منتهی شد آماده گردید» (شهید ثالث، ۲۰۲۰)، گزارش ویل دورانت وقایع دیگری را هم نشان می‌دهد. نمونه‌ای از تجربیات تاریخی این است که «پس از مرگ سیاه در سال ۱۳۴۸^۳ هدایا و نیازهای کسانی که به سلامت

^۱ Jerusalem Rabbi Alon Goshen-Gottstein

^۲ . Douglas Todd

^۳ سال ۱۳۴۸ میلادی (یادداشت ع. باقی)

رسته بودند، انجمنی را که این نمازخانه (که تصویری از مریم باکره در آن قرار داشت و می‌گفتند معجزاتی در آن ظهور کرده است) را اداره می‌کرد، غنی ساخت و تصمیم گرفته شد که تصویر مریم در معبد مجللی از مرمر و طلا جای داده شود (دورانت، ۱۳۸۲، ج ۶: ۳۰).

دو نیروی مذهب و لائسیته با قدرت در صحنه ماندند و فقط در مقطعی در اروپا به‌ویژه در کشورهای که کلیسا اقتدار و ویرانگری بیشتری داشت، ضدیت با مذهب، قوی‌تر بود. به عبارت دیگر، وقتی الان هر دو دیدگاه رشد بنیادگرایی و تضعیف مذهب وجود دارد، یعنی پس از آن - هم این دو خط موازی وجود خواهند داشت و فقط اگر در این زمانه، یک دیدگاه سیطره داشت، احتمال سلطه همان وجود داشت و وزن این دو هم بستگی دارد به کفه سنگین هر کدام در دوره بحران. اصولاً عناصر و رخداد‌های فکری امروز، نشانه‌هایی از تحولات آینده هستند (باقی، ۱۳۸۳: ۱۹۰). اما بیماری‌های فراگیر کشنده از طریق متغیرهای دیگری می‌توانند بر دین تأثیر بگذارند و با ایجاد تغییرات اجتماعی، رونماهای فکری جامعه را به هم بریزند.

مسئله تفاوت «دین»، «شریعت» و «فقه» مسئله‌ای کاملاً کلامی است (باقی، ۱۳۹۵). به همین دلیل معمولاً جامعه‌شناسان این بحث را وانهاده‌اند، به دلیل آنکه این تفاوت‌ها به خود دین مربوط می‌شوند نه جامعه‌شناسی، اما جامعه‌شناسی دقیقاً از همین نقطه آسیب می‌پذیرد. جامعه‌شناس می‌تواند و باید همین تفاوت‌ها را در نظر بگیرد، اما به عنوان «جامعه‌شناس» نه «دین‌شناس». توجه نکردن به همین مسئله تفاوت سه مقوله یادشده، مشکلات زیادی را در درک مسائل مربوط به جامعه‌شناسی دین به وجود آورده است، از جمله اینکه در بحران‌ها و تحولات اجتماعی و بیماری‌ها آنچه به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد، مناسک مذهبی و اشکال و صورت‌های دین‌ورزی و دین‌داری است و در نهایت اگر تأثیرات، بسیار پهن‌دامنه باشد، فقه یا شریعت دستخوش تغییر می‌شود، نه خود دین. اما به دلیل اینکه در ذهن عامه و نیز در نظر جامعه‌شناسان، همه این مقولات را همانند می‌دانند و همه اینها به عنوان دین یا تجلی دین شناخته می‌شوند، بنابراین تغییراتی را که در اینها رخ می‌دهد تعبیر به «تغییر دین» می‌کنند و انقراض بعضی از مناسک یا مقررات شریعت را به معنای انقراض دین تلقی می‌کنند. آنتیست‌ها و منتقدان دین نیز همین مشکل عدم تفکیک مقولات یادشده را دارند.

دورکیم در جامعه‌شناسی دین خود ابتدا دین و پدیده‌های دینی را تعریف می‌کند و از طریق برشمردن ویژگی‌ها و مختصات دین و پدیده‌های دینی به تعریف آنها می‌پردازد و پس از بحث مفصلی به این نتیجه می‌رسد که بزرگ‌ترین ویژگی آنچه دینی و پدیده دینی نامیده می‌شود، «مقدس» بودن است، بنابراین شالوده تعریف او تفکیک امر مقدس و غیر مقدس به عنوان امر دینی و غیر دینی است (دورکیم، ۱۳۸۲: ۶۱-۲۹). درست است که دین، تعریف شده اما

اولاً این تعریف، فقط جامعه‌شناسانه است و دوم اینکه به هیچ وجه، قادر به تفکیک و تمایز میان مقولات سه گانه ذکر شده (دین، شریعت، فقه) نیست و نه تنها قادر به این تفکیک نیست بلکه به دلیل معیار برگرفته شده (یعنی تقدس) به اینجا می‌رسد که هم می‌گوید دین و جادو در تضادند و هم می‌گوید جادو به‌سختی از دین، قابل تشخیص است (همان، ۵۶).

در اثر همین اشتباه یعنی عدم تفکیک دین از خرافه بود که بسیاری از جامعه‌شناسان بزرگ، پیش‌بینی پایان دوران دین و چیرگی سکولاریزم را داشتند و همه این پیش‌بینی‌ها خطا از آب درآمدند (باقی، ۱۳۸۳: ۱۴۲-۱۳۶).

آنچه در واقع در معرض تغییر بود و واقعاً هم تغییر کرد، «شیوه‌های دین‌داری» بود، و می‌بینیم که برخلاف همه پیش‌بینی‌ها دین با قوت و قدرت و بلکه سیاسی‌تر از گذشته حضور دارد. همین حضور را نیز بعضی دیگر به‌اشتباه حمل بر شکست جامعه‌شناسان می‌کنند، در حالی که پیش‌بینی جامعه‌شناسان اگر تدقیق شود در واقع اصل تغییرات بزرگ در شیوه‌های دین‌داری درست بود نه در دین. ادیان، سخت‌جان هستند و چون چیزی جز «اصول کلی» نیستند کمتر دستخوش طوفان‌ها می‌شوند. برخی روشنفکران دینی و یا عالمان دینی هم این سه مقوله را به جای هم به کار می‌برند، به طوری که کاربرد شریعت و فقه در یک معنا توسط روشنفکران مذهبی بسیار شایع است.

تجربه تاریخی و مطالعات موردی نشان می‌دهند که دین تحت تأثیر چالش‌های عظیم ممکن است تغییر صورت و گفتمان پیدا کند، اما از بین نمی‌رود، زیرا از دیدگاه جامعه‌شناختی دین برساخته بشری است و احتیاج، مادر اختراع است. بشر به دین همواره احتیاج داشته و آن را متناسب با نیازهای زمانه تغییر داده است. فلسفه ارسال رسل و انزال کتب در شرایع و ادیان نیز دقیقاً همین است که گفته می‌شود با رشد فکری بشر دوره یک شریعت به پایان رسیده و شریعت و پیامبر تازه می‌آید و ختم نبوت یعنی دوره‌ای که بشر به حدی از رشد عقلی رسیده که دیگر نیازی به پیامبر تازه ندارد (مطهری، ۱۳۹۵: ۱۳-۳۸-۳۶؛ لاهوری، ۱۳۶۲: ۱۴۴-۱۴۶) و دین‌داران بدون اینکه التفاتی داشته باشند در بطن یک سخن دین‌ورزانه یک نظریه جامعه‌شناسانه را بیان می‌کنند.

منطق این چالش‌ها شباهت زیادی به منطق مناظره دارد. در مناظره‌ها، چالش‌های سنگینی میان دو طرف برگزار می‌شود اما هیچ وقت مناظره‌ها موجب پیروزی مطلق یا شکست مطلق نمی‌شوند زیرا همیشه هواداران هر کدام نسبت به دلایلی که دوست دارند و نسبت به دلایل مناظره‌گر مطلوب خود، بیشتر متقاعد و جذب می‌شوند، و فقط درصد کوچکی هستند که ممکن است تغییر دیدگاه بدهند.

کارکردهای مذهب حتی اگر به طور موقتی تضعیف شوند، اما ناکارکرد نخواهند شد، و عوامل سلبی و ایجابی در دوره بحران یا پس از بحران، متعادل می‌شوند. همچنین نهادهای مذهبی همواره در اپیدمی‌ها بیشترین همیاری را با نهادهای درمانی و پزشکی داشته‌اند و دست‌کم این نوع بحران‌ها به طور مستقیم جنبه براندازانه نسبت به مذهب ندارند، ولی ممکن است از طریق تغییراتی که در سایر بخش‌های اقتصادی و اجتماعی به وجود می‌آورند بر نفوذ و جایگاه دین تأثیرات عمیق بگذارند.

منابع:

- اصفهانیان، سعید (۸ فروردین ۱۳۹۹) «بحثی دیگر در باب رابطه کرونا و ظهور امام زمان (عج)». خبرگزاری اهل بیت (ع) <http://fa.abna.cc/77SV>
- اقبال لاهوری، محمد (۱۳۶۲) احیای فکر دینی در اسلام، ترجمه احمد آرام. تهران: رسا قلم تهران و کتاب پایا.
- ایرنا (۱۵ فروردین ۱۳۹۹) «در یک پارتنی شبانه ۱۱۱ نفر در شهریار دستگیر شدند»، www.irna.ir/news/83737131
- ایسنا (۷ فروردین ۱۳۹۹) «وزیر بهداشت اسرائیل: مسیح در عید پاک ما را از شر کرونا نجات می‌دهد»، www.isna.ir/news/99010703372
- برنجکار، رضا (۳۰ فروردین ۱۳۹۹) «چرا خدا جلوی کرونا را نمی‌گیرد؟». خبرگزاری فارس، <http://fna.ir/ewlznb>
- باقی، عمادالدین (۱۳۸۳) تولد یک انقلاب. تهران: نشر سرای.
- باقی، عمادالدین (۱۳۹۵) «دفاع روشنفکرانه از فقه و اصول فقه»، دوماهنامه تقریرات، شماره ۶: ۵۶-۴۱.
- برومند، صفورا (۱۳۸۱) پژوهشی بر فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا C.M.S در دوره قاجاریه. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، واحد تاریخ شفاهی.
- پاپکین، ریچارد؛ استرول، آورول (۱۳۸۹) کلیات فلسفه، ترجمه سیدجلال‌الدین مجتبیوی. تهران: انتشارات حکمت.
- حوزه نیوز (۲۷ اسفند ۱۳۹۸) «دادستان قم خبرداد: دستگیری ۱۱ نفر در پی تجمع غیرقانونی در اطراف حرم حضرت معصومه (س)». <https://hawzahnews.com/x9Bf8>
- خامنه‌ای، سیدعلی (۲۱ فروردین ۱۳۹۹) «سخنرانی تلویزیونی به مناسبت ولادت حضرت امام زمان (عج)» <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45317>
- خمینی، سیدروح‌الله (بی‌تا) کشف اسرار. تهران: نشر فلق.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله سیدعلی حسینی سیستانی (۱۷ شعبان ۱۴۴۱ هـ.ق.) «استفتاء درباره روزه ماه رمضان در روزهای انتشار ویروس کرونا»
- <https://www.sistani.org/persian/archive/26416>

توسلی زاد، ابوالفضل (۲۰ فروردین ۱۳۹۹) «آیا «کرونا» از نشانه‌های ظهور امام زمان (عج) است؟!». ساعد نیوز

<https://saednews.com/fa/post/aia-krona-az-neshanhaye-zhavr-amam-zmanej-ast>

دورانت، ویل (۱۳۸۲) تاریخ تمدن، جلد ۶ اصلاح دینی، چاپ نهم، مترجمان فریدون بدره‌ای و نادر هدی و پرویز مرزبان. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

دورانت، ویل (۱۳۹۷) قهرمانان تاریخ، ترجمه زرین فناپیان. تهران: نشر پارسه.

دورکیم، امیل (۱۳۶۹) تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام. بابل: کتابسرای بابل.

دورکیم، امیل (۱۳۸۲) صور ابتدایی حیات مذهبی، ترجمه نادر سالارزاده. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۲) حیات یحیی، جلد ۱. تهران: سازمان انتشارات جاویدان.

رضایی، محمد (۲۲ مرداد ۱۳۹۹) «پاسخ محمد رضایی به نظرات سید کمال حیدری». خبرگزاری

رسمی حوزه <https://bit.ly/3jFvIF1>

رهدار، احمد (۱۳۸۵) «تبشیری‌ها در ایران». مجله زمانه، شماره ۴۳: ۴۳-۵۳.

رهنما، علی (۱۳۹۴) خرافات به مثابه ایدئولوژی در سیاست ایرانیان: از مجلسی تا احمدی‌نژاد، ترجمه فرهاد مهدوی. لندن: انتشارات مه‌ری.

روا، الیویه (۱۳۹۷) جهل مقدس: زمان دین بدون فرهنگ، چاپ دوم، ترجمه عبدالله نصری و سمیه-سادات طباطبایی. تهران: انتشارات مروارید.

ساجدی، ابوالفضل (۱۳۹۹) «کرونا و چالش با کدام دین؟ (نقد سخنان کرونایی آیت الله سید کمال

حیدری)». روزنامه فرهیختگان، شماره ۴۰۰۳، چهارشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۹۹: ۱۵.

سبحانی، جعفر (۱۳۸۸) آیین وهابیت. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

سبکی، علی بن عبدالکافی (۱۴۱۹ ق) شفاء السقام فی زیارة خیر الأنام. حیدرآباد: دائرة المعارف العثمانیه.

سیمایی صراف، حسین (۱۳۹۹) «فقه کرونا». روزنامه شرق، شماره ۳۶۸۷، یکشنبه ۱۷ فروردین ۱۳۹۹، ص ۱.

شمشیری، عبدالکریم؛ سهیلی‌پور، محمد (۱۳۹۹) از قرآن بپرس. تهران: نشر سرایی.

شهید ثالث، شهیر (۱۵ مارس ۲۰۲۰) «بحران کرونا و احتمال ایجاد تحولات سیاسی و اجتماعی در

ایران» <https://www.bbc.com/persian/iran-features-51890764>

صالحی نجف آبادی، نعمت الله (۱۳۸۴) غلو: درآمدی بر افکار و عقاید غالیان در دین. تهران: انتشارات کویر.

غلامرضا کاشی، محمدجواد (۱۴ اسفند ۱۳۹۸) «پزشکان و روحانیون». @javadkashi

- کوزر، لوئیس (۱۳۸۳) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹) جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- گویا دیلی (۳۰ مارس ۲۰۲۰) «چالش لیسیدن توالت در انگلیس همزمان با شیوع کرونا». <http://gooyadaily.com/entertainment/lick-the-toilet-in-england.html>
- محدث نوری (۱۳۸۱) لؤلؤ و مرجان، تصحیح و تحقیق: ع.م. رکنی. قم: انتشارات پیام مهدی (عج).
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۸) حماسه حسینی، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۵) ختم نبوت. تهران: نشر صدرا.
- منتسکیو (۱۳۷۰) روح القوانین، ترجمه علی اکبر مهتدی، مقدمه و تصحیح و تعلیقات محمد مددیپور. تهران: امیرکبیر.
- وبر، ماکس (۱۳۹۷) جامعه‌شناسی دین، مقدمه از تالکوت پارسونز، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ دوم. تهران: نشر ثالث.
- همایی راد، خلیل‌الله (۷ فروردین ۱۳۹۹) «یادداشت / ترور حاج قاسم و نظریه اثر پروانه‌ای: رودها از خود نه طغیان می‌کنند، آنچه می‌گوییم ما آن می‌کنند». خبرگزاری میزان <https://www.mizanonline.com/002YDA>
- Estrin, Daniel; Arraf, Jane; Frayer, Lauren (April 7, 2020) Coronavirus Is Changing The Rituals Of Death For Many Religions, (<https://www.npr.org/sections/goatsandsoda/2020/04/07/828317535/coronavirus-is-changing-the-rituals-of-death-for-many-religions? t=160379 1068629>)
- Todd, Douglas, (Jul 23, 2020) COVID-19 and religion, from the sublime to the malicious, (<https://www.google.com/amp/s/vancouver.sun.com/opinion/columnists/douglas-todd-covid-19-and-religion-from-the-sublime-to-the-malicious/wcm/52d690b3-95dc-4377-aa9e-602103c7a881/amp>)